

812-189

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 812

Date of filing: 24/5/1993

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

* DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of and Do of Mr Allison
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

SEPARATE CONCURRING AND DISSENTING OPINION

Case No. 812
Chamber Three

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

پرونده شماره ۸۱۲

شعبه سه

حکم شماره ۵۴۶-۸۱۲-۳

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد
FILED
DATE 14 MAY 1993
تاریخ ۱۳۷۲ / ۲ / ۲۴

ابراهیم رحمان گلشنی،

خواهان،

- و -

وزارت دفاع ملی

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

English version
Filed on 2 MAR 1993
نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۷۱ / ۱۲ / ۱۱
ثبت شده است.

نظر جداگانه موافق و مخالف ریچارد سی. الیسون

۱ - من با نتیجه حاصله در حکم موافقم که دعوی بدلیل عدم توانایی خواهان در اثبات اصالت ظاهری صلحنامه مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۵۷ [۱۵ اوت ۱۹۷۸] ("صلحنامه") که خواهان به استناد آن مدعی مالکیت دعوی است باید رد شود. گرچه با این نتیجه‌گیری، اعلام هرگونه نظر قطعی درباره دفاع خوانده مبنی بر جعلیت سند موضوعاً منتفی می‌شود، این بدان معنی نیست که لوایح مفصل و متعددی را که درباره این موضوع ارائه شده باید نادیده انگاریم، و یا الزاماً شهادت‌ها و استدلالاتی را که طی سه روز طولانی استماع راجع به ادعای جعل اقامه گردید به دست فراموشی بسپاریم. بنابراین این مقتضی می‌دانم جنبه‌هایی از ادعا را که وقت و توجه دیوان در جریان بررسی بسیار دقیق این دعوی مصروف آن‌ها گردید مورد بحث قرار دهم. به منظور بازگویی کاملتر واقعیات و اظهارات طرفین، به حکم صادره دیوان اشاره خواهم کرد که من با آن موافقم به جز یک مورد استثنا که در زیر به شرح آن می‌پردازم.

۲ - از آنجا که به عقیده من، بعضی از جنبه‌های دفاع خوانده دایر بر جعلیت صلحنامه، بر مساله صدور حکم هزینه‌های داوری تاثیر می‌گذارد، لذا لازم است درباره آنها اظهارنظر شود. اینکه بار اثبات این دفاع به عهده خوانده قرار دارد، طبق بند ۱ ماده ۲۴ قواعد دیوان بدیهی است. به علاوه، اظهارات خوانده درباره جعلیت سند، و دلالت ضمنی آنها بر ارتکاب تعدادی اعمال خلاف قانون از ناحیه خواهان و دیگران ماهیتاً چنان بود که ارائه ادله روشن و متقاعد کننده‌ای برای اثبات آن‌ها ضرورت داشت. (۱)

۱ - طبق اظهار کارشناس خواهان، دکتر محمد باهری وزیر سابق دادگستری ایران، بار اثبات جعلی بودن سند رسمی بر عهده طرف مدعی جعلیت است. وی تاکید کرد که اثبات چنین اتهامی مستلزم ارائه ادله "متقاعد کننده" است. حقوق انگلیس و آمریکا نیز برای موارد مشابه و قابل قیاس، ارائه ادله بسیار محکمی را لازم می‌شناسد. بنگرید به: E. Cleary, "McCormick on Evidence" 958-60 (1984) (راجع به تهمت کلاهبرداری) و J. Buzzard, "Phipson on Evidence" 54 (1976) (تهمت کلاهبرداری در حقوق انگلیس). رویه قضایی دیوان نیز با این قاعده سازگار است. (بقیه پاورقی در صفحه بعد)

۳ - لیکن ادله و استدلالاتی که خواننده در خصوص جعل ادعایی ارائه کرد متناقض، مبهم و گمراه کننده بود. ذیلاً به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می‌گردد.

۴ - اولین آنها معمای ملایری است. خواننده طی لایحه مورخ دهم شهریورماه ۱۳۶۷ [اول سپتامبر ۱۹۸۸] خود به دیوان اعلام نمود که سند (شماره ۲۵۳۴۵) بلاترید جعل شده است زیرا از بازرسی مفصل دفاتر دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۱۹ توسط علی ابوالاحرار، بازرس اداره ثبت، این نتیجه حاصل شده که سند محضری شماره ۲۵۳۴۵ مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۵۷ [۱۵ اوت ۱۹۷۸] رضایت نامه‌ای بوده بنام آقای کمال ملایری و نه صلحنامه‌ای بنام خواهان. (طرفین در این موضوع اتفاق نظر دارند که امکان ندارد در یک دفترخانه دو سند متفاوت دارای شماره واحدی باشند). برای اثبات این موضوع، خواننده در تاریخ دهم شهریورماه ۱۳۶۷ [اول سپتامبر ۱۹۸۸] سه فقره مدرک ارائه نمود: (یک) شهادتنامه مورخ پنجم اسفندماه ۱۳۶۳ [۲۴ فوریه ۱۹۸۵] ابوالاحرار، بازرس دفاتر اسناد رسمی، که در آن ضمن اشاره به بررسی‌های "مفصل و دقیقی" که از سوابق موجود در دفترخانه شماره ۳۱۹ به عمل آمده قضیه ملایری مطرح شده است، (دو) گواهی مورخ ۶۲/۳/۱۸ [هشتم ژوئن ۱۹۸۳] صادره از وزارت دادگستری ایران و (سه) شهادتنامه بدون تاریخ کفیل دفترخانه شماره ۳۱۹. هر دو مدرک اخیر به منظور اثبات تعلق سند به آقای ملایری ارائه شده‌اند. لیکن خواننده به پیوست لایحه مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۹ [۲۰ مارس ۱۹۹۰] خود گزارش و صورتمجلسی از همان آقای ابوالاحرار به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [۱۸ مه ۱۹۸۳]، یعنی به تاریخی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برای مثال بنگرید به حکم شماره ۱-۴۳-۲۵۸ (مورخ ۱۶ مهرماه ۱۳۶۵/هشتم اکتبر ۱۹۸۶)، صادره در پرونده اویل فیلد او تکراس و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، چاپ شده در 12 Iran-U.S. C.T.R. at 308,315 (چنانچه در مورد ارتشاء ادعایی در رابطه با تحصیل قرارداد اجاره "شک و تردید منطقی" وجود داشته باشد، چنین ادعایی را نمی‌توان اثبات شده تلقی کرد).

قریب دو سال مقدم بر گزارش مورخ پنجم اسفندماه ۱۳۶۳ [۲۴ فوریه ۱۹۸۵] وی، به دیوان تسلیم نمود. مدارک تسلیمی مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۹ [۲۰ مارس ۱۹۹۰] خوانده حاکی از بازرسی آقای ابوالاحرار در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [۱۷ مه ۱۹۸۳] از سوابق دفترخانه شماره ۳۱۹ و گزارش مواردی از جمله این مطلب است که بنابه مندرجات دفتر درآمد دفترخانه ۳۱۹ سند شماره ۲۵۳۴۵ اقرارنامه‌ای به نام آقای حکمت بوده و نه رضایت‌نامه‌ای به امضای آقای کمال ملایری. بنابه اظهار خواننده، این نتیجه‌گیری مبتنی بر یک بررسی "جامع" دیگر توسط آقای ابوالاحرار می‌باشد. بدینگونه، خواننده در لایحه مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۹ [۲۰ مارس ۱۹۹۰] ملایری را رها کرد و حکمت را برگزید. همراه با لایحه مزبور، علاوه بر مدارک بازرسی مورخ ۱۹۸۳، شهادتنامه بدون تاریخی از ابوالاحرار، بازرسی دفاتر اسناد رسمی، تسلیم شده که در آن وی توضیح می‌دهد که شهادتنامه مورخ پنجم اسفندماه ۱۳۶۳ [۲۴ فوریه ۱۹۸۵] خود در خصوص آقای ملایری را "بدون در نظر داشتن واقعیت امر" تنظیم کرده بود. واقعا "حیرت آور است که چگونه واقعیتی ادعایی که در پرونده حاضر اهمیت تام داشت و ظاهرا" در ماه مه ۱۹۸۳ بر آقای ابوالاحرار، وزارت دادگستری و کفیل دفترخانه تنظیم کننده سند معلوم و مورد تایید آنها بوده است، به موجب شهادتنامه بسیار مهم مورخ ۱۹۸۵ که در سال ۱۹۸۸ توسط خواننده به ثبت رسید، نقض گردید و شهادتنامه اخیرالذکر نیز به نوبه خود در سال ۱۹۹۰ از طرف خواننده نفی شد.

۵ - سپس دفاعیات خواننده مشکل را دو چندان کرد زیرا در آنها استدلال شد که خواهان یا عمال او در ایران مسبب بروز اظهارات نادرست قبلی وی بوده‌اند زیرا اینان شماره ثبتی سند اصلی ملایری را مخدوش کردند تا با شماره ثبتی سند خواهان، (۲) یکسان شود.

۲ - البته ملاحظه سند ملایری که توسط خواننده در دیوان ثبت شده نشان می‌دهد که رقم چهارم ظاهرا" تبدیل به "۴" شده تا شماره آن با شماره سند خواهان تطبیق نماید. نمی‌توان گفت که این تغییر با دست چه کسی انجام شده است.

اینکه توضیح مزبور چگونه می‌تواند اظهارات نادرست قبلی خواننده را رفع و رجوع نماید روشن نیست. مضافاً، قبول چنین فرضی بدین معنی است که خواهان، که صلحنامه حاوی شماره ثبت منحصر به فردی را به دیوان تسلیم کرده بود، عامداً مدرک دیگری را با همان شماره ساخته است تا عملاً پرونده خود را سست کند. به نظر من، این از مواردی است که توضیح مطلبی پیچیده‌تر از خود مطلب است.

۶ - مورد دیگری نیز که به همان اندازه گیج کننده است گزارشی است از علی اکبر رضوانی، بازرس دفاتر اسناد رسمی، که خواننده در تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۶۸ [۲۰ مارس ۱۹۹۰] ارائه کرده و حاوی جزئیات بازرسی وی از دفترخانه شماره ۳۱۹ و شدیداً مورد استناد خواننده در اثبات ادعای جعلیت است. اولین بار که گزارش مزبور در دیوان به ثبت رسید حاکی از آن بود که تحقیق در خصوص صلحنامه در اجرای ماموریت محوله در تاریخ دوم خردادماه ۱۳۶۱ [۲۳ مه ۱۹۸۲] انجام گردید. آقای رضوانی، در گزارش خود به شماره ثبت و تاریخ صلحنامه خواهان اشاره می‌کند. این موضوع معمایی ایجاد کرد زیرا خواننده، که مدعی بود هیچگاه دفتر ثبت حاوی شماره ثبت و تاریخ سند یا نسخه‌ای از خود سند را پیدا نکرده، نمی‌توانسته در ماه مه ۱۹۸۲ از مشخصات صلحنامه مفقوده مطلع بوده باشد، چون خواهان این موضوع را تا پیش از ۱۳ مهرماه ۱۳۶۱ [پنجم اکتبر ۱۹۸۲] در دیوان ثبت نکرده بود. به عبارت دیگر چنانچه خواننده هرگز دفتر ثبت یا نسخه‌ای از صلحنامه را پیدا نکرده بوده باشد، تنها منبع جزئیات مندرج در گزارش رضوانی می‌بایست اطلاعاتی بوده باشد که خواهان چند ماه بعد از مطالب گزارش رضوانی راجع به ماموریت تحقیق و تشریح سند حسب الادعا مفقودالاثرو غیرموجود، ثبت کرد.

۷ - در توضیح این تعارضات، خواننده اظهار نمود که در نسخ انگلیسی و فارسی گزارش رضوانی، تاریخ ارجاع ماموریت بازرسی اشتباه تایپی داشته و تاریخ صحیح صدور دستور بازرسی دوم خردادماه ۱۳۶۲ [۲۳ مه ۱۹۸۳] بوده نه خرداد ۱۳۶۱

[۱۹۸۲]. خوانده برای اثبات صحت تاریخ ۱۳۶۲، بالاخره مدرکی را تحت عنوان اصل دستنوشته گزارش رضوانی ارائه نمود که در آن، تاریخ ارجاع ماموریت ۶۲/۳/۲ [۲۳ مه ۱۹۸۳] قید شده بود. خوانده همچنین نسخی از ابلاغ ماموریت و مآلاً اصل آن ابلاغ را ارائه کرد که خواهان صحت آن را مورد سوال قرار داد.

۸ - لیکن، موارد غیرقابل توجیهی از حذف و اضافه و تعارض، توضیحات فوق‌الذکر خوانده را مخدوش می‌نماید. (۳) به عنوان مثال، رضوانی در گزارش خود به چندین پیوست که حاکی از اقدامات وی در جریان بازرسی بوده اشاره نموده است. اما خوانده از ارائه این پیوست‌ها، که مسئله تاریخ را به نحو قاطعی حل می‌کردند، امتناع نمود و هرگز آنها را به دیوان تسلیم نکرد. مشکل بزرگتر دیگر این بود که در اسناد رسمی که خوانده تسلیم کرده از ماموریت آقای رضوانی با ذکر سال ۱۹۸۲ نام برده شده بود. وجود یک مورد اشتباه تایپی — — حتی در مدرکی بسیار مهم — — شاید قابل درک باشد اما اگر این اشتباهات از یک مورد تجاوز کرد، آن مدرک عملاً "مفهوم نخواهد داشت.

۹ - مثال سوم آنکه خوانده نخست استدلال کرده بود که بررسی کد و شماره سری اوراق چاپی صلحنامه بطور قطع نشان می‌دهد که این اوراق در تاریخی موخر بر تاریخ ادعایی تنظیم صلحنامه، یعنی ۲۴ مردادماه ۱۳۵۷ [۱۵ اوت ۱۹۷۸]، در چاپخانه دولتی به چاپ رسیده‌اند. اما بعداً معلوم شد که حداقل دو سری کاغذ دولتی

۳ - گزارش رضوانی که خوانده بدواً به زبانهای فارسی و انگلیسی به دیوان تسلیم کرد فاقد تاریخ بود و در لوایح بعدی خوانده تاریخ "۲۲ خردادماه ۱۳۶۲ [۱۹۸۳/۶/۱۲]" بدان اضافه گردید. خوانده در جای دیگر در لوایح خود از این گزارش به عنوان گزارش مورخ ۱۷ دیماه ۱۳۶۷ [هفتم ژانویه ۱۹۸۹] نام برده است.

با همان کد و شماره سری چاپ و حداقل یک سری از آنها مدتها قبل از تاریخ فوق‌الذکر تهیه و در اختیار دفاتر اسناد رسمی گذاشته شده بود. به علاوه، خوانده در جلسه استماع اذعان نمود که این امکان وجود داشت که اوراق حاوی کد و شماره سری و شماره صفحات صلحنامه در تاریخی مقدم بر تاریخ ادعائی صلحنامه توزیع شده بوده باشند.

۱۰ - در این موارد و در موارد دیگری، کوششهای خوانده در اثبات موضوع جعلیت، منتهی به یک سلسله اظهارات موکدی گردید که چنان غامض، متضاد و غیرقابل درک بود که مجدانه‌ترین تلاش در جهت تطبیق آنها شانس توفیق نداشت. در عین حال که ضرورت ندارد که این اقدامات را حمل بر کوششی در جهت فریب و نیرنگ نمود، گریزی از این نتیجه‌گیری نیز نیست که دقت بسیار اندکی می‌توانست مانع بروز این مسائل بغرنج گردد. اینکه دیوان در نهایت به این نتیجه رسید که ادعا باید به دلیل عدم اثبات اصالت ظاهری صلحنامه رد شود، این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که مسائل مزبور موجب صرف وقت و نیروی زیادی در دیوان گردید.

۱۱ - در بحث از این نکات غیرعادی شاید این موضوع شایان ذکر باشد که تعارض‌های موجود در مدارک و استدلالات خوانده را نمی‌توان منبعث از آشفتگی ناشی از انقلاب ایران دانست. بنابه اظهار خوانده، برای تجزیه و تحلیل این دعوی، که متضمن انتقال ثروت کلانی به دولت ایران بود، در فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۱ متخصصین مورد احترام با سازمانهای بازرسی و قضائی همکاری داشته‌اند. با وجود این، آنچه به دیوان ارائه شد مجموعه‌ای گمراه‌کننده‌ای از به اصطلاح "اشتباهات" بود که بیشتر موجد شک نسبت به اظهارات خوانده گردید تا نسبت به خود صلحنامه. دیوان در کوشش برای کشف حقایق از لابلای مدارک خوانده، وقت و منابع معتناهی صرف کرد.

۱۲ - سئوالی که اینک در این پرونده مطرح می‌شود اینست که آیا دیوان باید هنگام اتخاذ تصمیم راجع به صدور حکم هزینه‌ها به نفع خوانده که طرف دادبرده‌است، مسائل فوق‌الذکر را در نظر بگیرد یا خیر. به نظر من در شرایط عادی صدور چنین حکمی بجاست. بنگرید به حکم شماره ۱ - ۶۴ - ۱۸۰ (مورخ ششم تیرماه ۲۷/۱۳۶۴ ژوئن ۱۹۸۵) صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 8 Iran-U.S. C.T.R. 298 ("سیلوانیا"). اما همانطور که در حکم سیلوانیا یادآوری گردیده، قواعد دیوان (۴) و دوراندیشی متعارف، موضوع پرداخت هزینه‌ها را تا حد زیادی به صلاحدید دیوان واگذار کرده و تصمیمات سه شعبه دیوان در این خصوص بطور چشمگیری متفاوت بوده‌اند. به عقیده من شعبه سه صحیحاً به پرداخت هزینه داوری به نفع طرف موفق در مواردی حکم داده که اوضاع و احوال ایجاب می‌کرده‌است. برای مثال مراجعه کنید به حکم شماره ۳-۶۰-۴۸۵ (مورخ چهارم تیرماه ۲۵/۱۳۶۹ ژوئن ۱۹۹۰) صادره در پرونده دیولپمنت اند ریسرچ کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 25 Iran-U.S. C.T.R. 21, 109-110 ("دیوان با استناد به مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان و طبق رویه معمول خود، می‌تواند حکم به پرداخت هزینه‌های معقول داوری بدهد و در صورت لزوم، سایر هزینه‌ها را تسهیم کند.")

۱۳ - هرچند رویه کلی این شعبه چنین بوده، همواره حکم هزینه‌های داوری به نفع طرف موفق نداده است. برای مثال در حکم شماره ۳-۲۲۷-۵۱۴ (مورخ دهم تیرماه

۴ - بند یک ماده ۴۰ در قسمتهای مربوط مقرر می‌دارد:

هزینه‌های داوری اصولاً بر عهده طرف ناموفق خواهد بود. مع‌الوصف، دیوان داوری می‌تواند هر یک از هزینه‌های مزبور را بین طرف‌ها تسهیم کند، بشرط آنکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال دعوی این تسهیم را معقول بداند.

۱۳۷۰/اول ژوئیه ۱۹۹۱) صادره در پرونده ایستمن کداک اند کامپنی و دولت ایران، چاپ شده در 3 Iran-U.S. C.T.R. 27، با اینکه حکمی به مبلغ ۱،۸۰۵،۰۸۰/۲۴ دلار به علاوه بهره به نفع خواهان صادر شد، معهدا دیوان مقرر داشت که هریک از طرفین باید هزینه داوری مربوط به خود را تقبل کند. مضافاً در مواردی که دیوان پرونده‌ای را به لحاظ عدم صلاحیت رسیدگی رد کرده، پرداخت هزینه داوری را اغلب به عهده هریک از طرفین گذارده است. برای مثال بنگرید به حکم شماره ۳-۴۴۰-۴۸۴ (مورخ چهارم تیرماه ۲۵/۱۳۶۹ ژوئن ۱۹۹۰) صادره در پرونده اورتن/ مک کالو کرین کامپنی و راه آهن دولتی ایران و سایرین، چاپ شده در 15 Iran-U.S. C.T.R. 25 (ادعا به دلیل اینکه دیوان راساً رای به عدم صلاحیت خود داد رد شد، و بابت هزینه‌های داوری حکم داده نشد)، همچنین بنگرید به حکم شماره ۱-۳۴۱-۱۶۵ (مورخ نهم اسفندماه ۲۸/۱۳۶۳ فوریه ۱۹۸۵) صادره در پرونده وسترن داینامیکز کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، چاپ شده در 49 Iran-U.S. C.T.R. 8، حکم شماره ۱-۱۱۲-۲۴۳ (مورخ ۱۵ مردادماه ۱۳۶۵/ششم اوت ۱۹۸۶) صادره در پرونده کانتیننتال گرین اکسپرت کورپوریشن و اتحادیه تعاونیهای مصرف کارگران ایران، چاپ شده در 292 Iran-U.S. C.T.R. 11، و حکم شماره ۱-ب/۶۹-۵۹ - ۲۴۷ (مورخ ۲۳ مردادماه ۱۴/۱۳۶۵ اوت ۱۹۸۶) صادره در پرونده وزارت دفاع ملی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا و سایرین، چاپ شده در 33 Iran-U.S. C.T.R. 12 (نظر مخالف قاضی مصطفوی، صفحات ۳۹-۳۸).

۱۴ - به عقیده من در پرونده حاضر حکم به پرداخت هزینه داوری مناسبت ندارد. هنگام اتخاذ چنین تصمیمی دیوان وظیفه دارد این موضوع را در نظر بگیرد که نمایندگان خوانده تا چه حد این پرونده را بدون جهت پیچیده نموده — و تاچه اندازه وقت و انرژی اشخاص ذربط (داوران، دستیاران حقوقی، مترجمین و غیره) را تضییع

کرده‌اند. خط مشی دیوان این روش را تایید می‌نماید. به عنوان مثال، دیوان در حکم شماره ۳-۳۸۲-۵۲۳ (مورخ هفتم آبانماه ۲۹/۱۳۷۰ اکتبر ۱۹۹۱) خود در پرونده بهرینگ اینترنشنال، اینکوریوریتد و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و سایرین، چاپ شده در 27 Iran-U.S. C.T.R. 219, 245-46، نظر داد که:

طبق رویه دیوان، در تعیین مبلغ مناسب حکم بابت هزینه‌ها رفتار هر طرف در جریان داوری می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. دیوان در مواردی نظر داده است که هرگاه یکی از طرفین دعوی در نتیجه رفتار نادرست طرف دیگر متحمل هزینه‌های اضافی شده باشد، مستحق پس گرفتن چنین هزینه‌هایی خواهد بود.

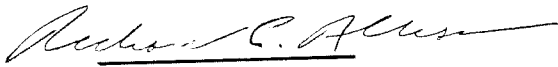
همچنین در حکم شماره ۳-۲۱۰-۵۲۰ (مورخ هفتم شهریورماه ۲۹/۱۳۷۰ اوت ۱۹۹۱) در پرونده ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، چاپ شده در 27 Iran-U.S. C.T.R. 145,185، که خواهان طرف موفق دعوی بود، دیوان اشعار داشت که:

دیوان به منظور تعیین مبلغ مناسب حکم بابت هزینه‌ها، در پاره‌ای از موارد در گذشته، رفتار طرفین را در طول جریان داوری مورد توجه قرار داده است. رجوع شود به: حکم شماره ۱-ب/۶۹/ب ۵۹ - ۲۴۷ صفحات ۶ - ۵، مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۵ اوت ۱۹۸۶] در پرونده وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا و دیگران، چاپ شده در 12 Iran-U.S. C.T.R. 33,36، و حکم شماره ۱-۱۲۳-۲۹۰، بند ۴۹ در پرونده اینترنشنال اسکولز، چاپ شده در 14 Iran-U.S. C.T.R. at 80.

۱۵ - هر چند قابل درک و انتظار است که طرفین قویاً از مواضع خود به دفاع بپردازند، اما فرضیه‌های عجیب و غریب و تعارضات ناشی از بی‌دقتی — — خواه منبعث از جدیت بیش از حد و کلاً باشد و خواه ناشی از سایر اعمال سوال انگیز — — قابل قبول نیست. دیوان نباید چنین اعمالی را، که در بعضی سیستم‌های حقوقی ممکن

است موجب تعیین مجازاتهای سنگین توسط دادگاه شود، با صدور حکم به پرداخت هزینه داوری مورد اغماض یا تایید قرار دهد.

لاسه، به تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۷۱/دوم مارس ۱۹۹۳



ریچارد سی. الیسون